

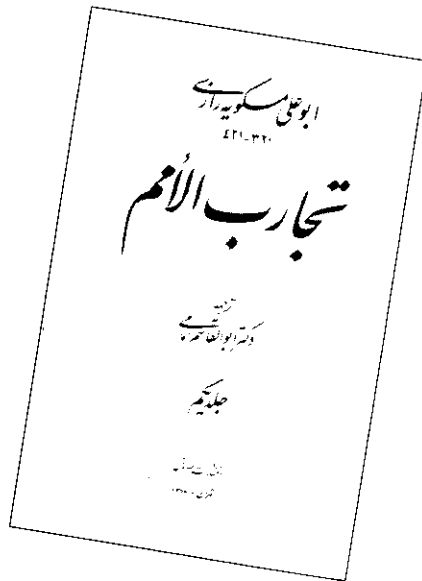
تجارب الأمم

اثری مهم در باب تاریخ اسلام و ایران

دکتر مهدی کیوان
دانشگاه اصفهان

ورفیق بسیاری از عالمان ممتازی است که تمدن جهانی یکتای اسلامی قرن چهارم هجری را پدید آوردند [بدوی، ۱۳۶۲: ۶۶۶؛ مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۶، ۱۹، ۲۱ و ۲۸؛ خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۵۴ و ۲۵۷؛ یاقوت، بی تا، ج ۲: ۹۱]. وی صاحب تألیفات متعدد، از جمله: کتاب‌های «جاویدان خرد»، «السیاسة السلطانية» «الفوز الاکبر» و «الفوز الاصغر» (در اخلاق) است که این آثار بیانگر نوع نگاه و طرز فکر تاریخی مسکویه هستند [مسکویه، ۱۳۶۶، مقدمه: چهاردهم تا هیجدهم؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۲: ۱۸۸؛ خوانساری ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۵۷-۲۵۵].

عصر مسکویه قرین است با برآمدن و سرفرازی آل بویه (۴۴۷-۳۲۰ هـ. ق)، فرهنگی ترین دولت‌های ملی ایران در دوره اسلامی. مسکویه که به روایت یاقوت در «معجم الادبا»، ابتدا زردشتی بود، در شهر ری باستان، کانون تشیع علوی و اردوگاه ایرانیان شعبوی



احمدبن محمدبن یعقوب، ملقب به «مسکویه رازی» یا «ابوعلی خازن» (۴۲۱-۳۲۰ هـ. ق)، مورخ، حکیم، ادیب، معلم بزرگ اخلاق و استاد کامل، از کارمندان ارشد درگاه آل بویه، از مصاحبان مقرب وزیران دانشمند این دربار، و از معاشران و معاصران

مذهب و مبارز علیه دولت عباسی و فرماندهان ترک تبارشان، نشو و نما کرد که حال و هوای این فضای سیاسی را در کتاب «تجارب الامم» به روشنی می توان دید. مسکویه در ری، و بعد در بغداد و اصفهان نزد اساتید مسلم و ممتاز آن عصر، در رشته های متنوع دانش ها و علوم مرسوم به مقام استادی رسید.

وی کتاب داری را حرفه ی خود قرار داد و از این شغل گران مایه، در تألیف تجارب الامم بهره ی بسیار برد. مؤلف تجارب الامم، «تاریخ طبری» را نزد ابوبکر احمد بن کامل القاضی (۳۵۰ ق متوفی)، هم نشین محمد جریر طبری تحصیل کرد و سپس با مطالعه ی کتاب های تاریخی بسیار، از جمله «تاریخ گم شده»، اثر ثابت بن سنان (۳۴۰-۲۹۵ ق) فهم و بصیرت تاریخ شناسی خود را به کمال رساند. به خدمت ابومحمد مهلبی (۳۵۲-۳۶۳ ق) رسید و به عنوان کتاب دار وی، به تاریخ شفاهی این وزیر دانشمند گوش داد. بعد نزد ابوالفضل عمید و فرزندش، ابوالفتح عمید، مشهور به «ذوالکفایتین» تقرب یافت. به عنوان خازن کتابخانه ی این دو وزیر در دربار رکن الدوله و مؤید الدوله، دیرزمانی به پژوهش و نگارش پرداخت. بعد از قتل ذوالکفایتین، به دربار عضد الدوله در شیراز رفت و در سمت کتاب داری و مشاور امور مالی، تا پایان عمر در دربار فرزندان بویه در شیراز و اصفهان، به سر بلندی به تدوین تألیفات و از جمله تجارب الامم روزگار گذراند [منزوی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۴۹۱، ۵۰۲ و ۵۰۳ و ج ۶: ۱۷۷، ۲۷۸ و ۳۰۱؛ سوازه، ۱۳۶۶: ۲۲۷؛ مسکویه، ۱۳۶۶، مقدمه ی مترجم: چهارم و پنجم؛ دانشنامه ی زبان و ادب پارسی، ج ۶: ۸۵۴-۸۵۳].

مسکویه در سرآغاز تجارب الامم می نویسد: «من چون سرگذشت مردمان و کارنامه ی شاهان را ورق زدم و سرگذشت کشورها و نامه های تاریخ را خواندم، در آن چیزها یافتم که می توان از آن ها در آن چه مانندش همیشه پیش می آید و همتایش پیوسته روی می دهد، پند گرفت. همچون گزارش آغاز دولت ها، ... و رخنه هایی که سپس در آن ها راه یافته ... تا کارشان به آشفنگی و نیستی کشید» [مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱: ۵۳-۵۱].

وی پس از مطالعه ی تاریخ های متعدد و ژرف اندیشی بسیار درباره ی ظهور و سقوط دولت ها و بررسی شیوه های شوردراری، دست به نگارش تجارب الامم زد: «از آن روی تجارب الامم [=آزمون های مردمان] نامیدش تا همگان، از کارگزاران ویژه ی نظام تا توده ی مردم و دیگر رده ها، بتوانند از آن بهره گیرند» [همان، صص ۵۳-۵۲]. مسکویه، گذشته از مطالعات و پژوهش های

شخصی از تاریخ طبری از تاریخ ثابت بن سنان و گنجینه های بزرگ و گران بهای آل بویه نیز استفاده کرده؛ کتابخانه ای که به قول مقدسی: «هیچ کتابی نبود که عضد الدوله آن را در کتابخانه اش گرد نیاورده باشد. فهرست هایی نیز دارد و کسی جز آبرومندان بدان راه نیابند.» [مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۲۸ و ۶۶۹-۶۶۸].

مسکویه متن های پرارزشی را آورده است که در آثار مورخانی چون طبری، ابن اثیر و ابن خلدون، مسعودی و دیگران یافت نمی شود. برای نمونه، از «اندرز اردشیر» باید یاد کرد که به تعبیر مجتبی مینوی «ترجمه ی عربی آن در کتاب تجارب الامم برای ما محفوظ است... بعد از اوستا قدیم ترین سندی است که به شکل کتاب برای ما باقی مانده است» [مینوی، ۱۳۵۲: ۱۹].

منابع مسکویه تا پیش از حوادث سال ۳۴۰ ق، کتاب های گوناگون تاریخی مدون است، اما بنا به نوشته ی مؤلف تجارب الامم، از این سال مآخذ بیشتر شفاهی هستند. در این باره خود گوید: «بیشتر گزارش هایی که پس از این سال می آورم از مشاهده ها و دیده های خود من، یا گزارشی است همسنگ دیده های من که از دیگران شنیده ام. زیرا همچون استاد رئیس ابوالفضل... بن العمید... به من خبر داده است... و نیز ابومحمد مهلبی که بیشتر حوادث روزگارش را برای من گفته است... بسیاری از بزرگان عصر این دو تن خبرهایی به من داده اند... من همه ی رخ داده هایی را که در یاد دارم، و آن چه را که از دیگران شنیده، یا خود آزموده ام، همه را به خواست خدا باز خواهم گفت» [مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۸].

ذکر اخبار این دیده ها و شنیده ها در تجارب الامم فقط تا سال ۳۶۹ ق ادامه دارد و تنها اطلاعات مختصری از سال ۳۷۲ ق و از عصر عضد الدوله در کتاب آمده است. با این که مسکویه تا سال ۴۲۱ حیات داشته، اما به دلایلی، دست از نوشتن ادامه ی تجارب الامم کشیده است [مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶: ۱۷۷ و ۳۴۱؛ مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۸-۳۷]. اما ذیل تجارب الامم، توسط یکی از وزرا به نام ابوشجاع رودراوری (متوفی ۴۸۸) به رشته ی تحریر درآمد [سوازه، ۱۳۶۶: ۲۲۷].

نسخه ی کاملی که از تجارب الامم در دست است، همان نسخه ی شش بخشی «ایاصوفیا» است؛ نسخه ای که به علت قدمت کتابت (۶۰۶-۶۰۵) و صحت نسبی آن، اساس کار ابوالقاسم امامی در تصحیح متن کامل تجارب الامم و نشر همه ی بخش های آن قرار گرفته است. او می نویسد: «نسخه ی ایاصوفیا را اساس نهادم ولی از پاره ای نسخه های دیگر و نیز از متوفی مثل طبری، ابن اثیر و الاثار

الباقیه بیرونی در حل مشکلات متن یاری جستم.

در سال‌های ۱۹۰۹، ۱۹۱۳ و ۱۹۱۷ میلادی، آمدروز و لئون کایتانی، جلد‌های اول، پنجم و ششم را از روی نسخه‌ی استانبول چاپ کردند. آمدروز با استفاده از تجارب الامم و ذیل تاریخ طبری، وقایع مربوط به سال‌های ۲۹۵ تا ۳۲۰ ق را به صورت دو مقاله تحت عنوان «تجارب الامم ابوعلی مسکویه» (۱۹۱۴ م) و «ابوالفضل بن العمید وزیر بر اساس تجارب الامم ابوعلی مسکویه» (۱۹۱۲ م) چاپ کرده است [سوازه، ۱۳۶۶: ۲۲۷ و ۲۲۸].

در سال ۱۳۶۶ ش، جلد‌های اول و دوم توسط ابوالقاسم امامی به زیبایی و رسایی بسیار ترجمه و با پیش‌گفتار عالمانه‌ی او به زیور طبع آراسته گردید. در سال ۱۳۷۶ ش نیز جلد‌های پنجم و ششم با پیش‌گفتار آمدروز، توسط علی نقی منزوی، استادانه ترجمه و همراه با مقدمه‌ی هنرمندانه مترجم، همراه با تحشیه‌های فراوان و انواع فهرست‌ها منتشر شد. قبل از این دو ترجمه، در سال ۱۳۶۶ محمدفضائلی بخشی از تجارب الامم، مربوط به سال‌های ۳۲۹-۲۹۷ ق را با مقدمه‌ای دل‌نشین و مفید، بدون هیچ‌فهرستی به چاپ رساند. او درباره‌ی علت ترجمه‌ی این بخش از تجارب الامم می‌نویسد: «مسکویه در عصری می‌زیست که در همان عصر، موجبات رهایی ایران از نوع حکومت خلفای عباسی فراهم آمد... دوره‌ی مقتدر [آغاز ترجمه‌ی فضائلی]، زمینه‌ساز رهایی این سرزمین از نوع مظالم عباسیان و اعراب بوده است» [مسکویه، ۱۳۶۶، مقدمه: سوم]. منزوی به عبارت «... بحری مجری تجارب الامم...» که در مقدمه‌ی تجارب الامم به خامه‌ی مسکویه آمده، استفاده می‌کند و می‌نویسد، به همین دلیل نام تجارب الامم (آزمون‌های مردمان) را انتخاب کرده است. انتخاب این عنوان خود حکایت از یکتا بودن مسکویه به عنوان مورخی با دیدگاه تاریخی-فلسفی دارد [مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶: ۳۶۴؛ مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۳۹-۳۸].

نثر کتاب مرسل و بی‌تکلف است و با آن که هزارسال از تحریر آن می‌گذرد، عبارات آن بلیغ و رساست. تجارب الامم یکی از منابع غنی اصطلاحات دیوانی و اجتماعی است که از نظر جامعه‌شناسی تاریخی مغتنم است. در همین راستا، بسیاری از واژه‌های فارسی که در قرون اولیه‌ی هجری همراه با ساختار و سازمان آن وارد زبان عرب و تشکل‌های حکومتی اعراب شد، در تجارب الامم آمده است؛ هم‌چون: بیمارستان، دیده‌بان، دربان و... [مسکویه، ۱۳۶۶، مقدمه: هجدهم؛ بیهقی، ۱۳۲۴، مقدمه]. نوشتن اخبار و تاریخ ایران زمین، از نخستین شهریار که نام و شیوه‌اش در نامه‌ها مانده، یعنی

اوشهنگ [هوشنگ]، تا شهریار ی عَضَدالدوله دیلمی، هدف مسکویه از تدوین تجارب الامم بوده است. آنچه از تاریخ اعراب و اسلام آمده، از نظر مسکویه در جهت تکمیل تدوین تاریخ ایران است [کایتانی، ۱۳۶۳: ۳۴۴].

جلد یکم ترجمه‌ی فارسی ابوالقاسم امامی به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول بعد از سرآغاز، تاریخ ایران پیش از اسلام است؛ پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان، ساسانیان و هم‌روزگاران ایشان، و بخش دوم از روزگار پیامبر اکرم (ص)، و چاره‌اندیشی رزمی ایشان در جنگ خندق آغاز می‌شود. آن‌گاه روزگار ابوبکر، روزگار عمر، روزگار عثمان، روزگار امام علی (ع) و بستن پیمان با حسن بن علی (ع) را شرح می‌دهد و پس از آن به سلسله‌ی اموی می‌پردازد و تا سال‌های ۲۸۴ ق، عصر خلافت مقتدر، ادامه می‌یابد، دوخویه، در جلد دوم کتاب «تاریخ اعراب» (۱۸۷۱ م)، وقایع خلافت مأمون تا مستعین را از تجارب الامم نقل کرده است [سوازه، ۱۳۶۶: ۲۲۸؛ مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۶].

ترجمه‌ی فضائلی، شامل تاریخ خلفای عباسی است؛ از خلافت مقتدر تا سال ۳۲۰ ق. در این بخش، زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ظهور امیران بویهی و آغاز رهایی ایران از ظلم فرمانروایی بیگانگان بیان شده است. ترجمه‌ی علی نقی منزوی، شامل تاریخ ایران در روزگار دیالمه (۳۶۹-۳۳۶ ق) است که در دو جلد منتشر شده. این ترجمه شامل دقایق مباحث عمده‌ی تاریخ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی است که نه تنها از نظر بیان علمی و فلسفی حوادث تاریخ یگانه است، بلکه در نوع انتخاب گزارش‌ها و مسائل اجتماعی، ممتاز محسوب می‌شود. به گفته‌ی روزنغال، مسکویه «آن‌چه را که دارای ارزش تاریخی است، به خوبی باز می‌شناسد و روایات تاریخ را با سامانی خریدپذیر باز می‌گوید و پیوندی را که در میان حوادث تاریخی وجود داشته است، به خواننده‌اش می‌نمایاند» [مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۲]. برخی از مباحث ترجمه‌ی منزوی عبارت‌اند از: رسوم دارالخلافه، دیوان‌ها، مصادره‌ی اموال، وضعیت مواد غذایی، قیمت ارزاق، تقلب در ارزاق، بیمار و بیمارستان‌ها، درمان، سد و آبادانی، سانسور کتاب، فساد اخلاق و کلاه‌برداری، مقام قضا و داوری. گران‌قدرترین اثر معاصر درباره‌ی آل بویه، تألیف علی اصغر فقیهی، براساس مباحثی که مسکویه آورده، تنظیم شده است [فقیهی، ۱۳۵۷].

هدف مسکویه در تجارب الامم ارائه‌ی تصویری است از درون و مبانی و ارزش‌های بیش و کم زنگار گرفته‌ی جامعه‌ی ایران در روزگار

دیالمه در مقابل آرمانش که عبارت است از احیای آیین‌های ایرانی و روش‌های فرمانروایی ساسانیان. جاویدان خرد در حکمت عملی، گویای بخشی از نگاه تاریخی مسکویه است در تجارب‌الامم. اگر بر آن است که هرچه بیشتر درباره‌ی عضدالدوله و ابن عمید بنگارد، بدان جهت است که آنان را «در زنده کردن آداب و روش‌های کهن» [ایرانیان] علاقه‌مند می‌بیند [مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱]. مسکویه در شمایل عضدالدوله، انوشیروان عادل و در ابن عمید، بزرگمهر حکیم را می‌بیند و با حسرت می‌گوید: اگر درباره‌ی ابن عمید بیش از این بنویسم از «آرمان کتاب دور می‌شویم» [همان، ج ۶: ۳۴۰، دانشنامه زبان و ادب فارسی، بی‌تا، ج ۶: ۸۵۳].

مسکویه به فارسی می‌اندیشد و به عربی می‌نویسد. او نمی‌خواست برای خلفای عباسی فره‌ایزدی (عصمت) قائل شود به همین دلیل، «خلیفه» را «سلطان» و «بغداد» را «دارالسلطان» می‌نامد. این داوری، طرز تلقی اکثر اندیشمندان ایرانی سده‌های سوم و چهارم است. دروازه‌ی خانه‌ی طبری مورخ را به گناه همین تلقی، سنگباران کردند و به جرم بی‌دینی، اجازه‌ی دفن جسدش را در گورستان سنیان ندادند [مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۱ و ج ۶: ۳۴۱].

تجارب‌الامم، حاوی بخشی از افکار شعوبیه است. مسکویه از قول عضدالدوله نقل می‌کند که در بغداد، آدم بافضیلت یا کسی که بتوان بر او نام مرد گذاشت، نیست [مسکویه، ۱۳۷۴: هشت و ۴۲۱، متز، ۱۳۶۲، ج ۱: ۴۰]. مسکویه دولت آل بویه را به تمسک به شیوه‌های کشورداری پادشاهان [ساسانی] فرا می‌خواند. او می‌نویسد: آن‌ها «باران خود را به دیانت که نگهبان رژیم و وسیله‌ی چیرگی بر دل‌های مردم است، مجهز می‌کردند» [مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶: ۶۵؛ صفا، ۱۳۳۳، ج ۱: ۳۸۰-۳۷۹].

مسکویه تا آن‌جا زیر نفوذ رفتار و آیین‌های ایران روزگار ساسانی قرار می‌گیرد که نه تنها خطبه‌ی «عهد اردشیر» را در تألیف خود ذکر می‌کند، خود به روش اردشیر عهد و پیمان می‌بندد. احسان عباس در تألیف و پژوهش خود تحت عنوان «عهد اردشیر» می‌نویسد: «تجارب‌الامم یکی از منابع اصلی این اندرزنانه‌هاست» [عباس، ۱۳۴۷: ۵۸]. ترجمه‌ی اندرزه‌های بزرگمهر عیناً در کتاب «جاویدان خرد» آمده و تقریباً جمله به جمله قابل تطبیق با متن اصلی است. در واقع، مجموعه‌ای از اندرزه‌های پهلوی در «جاویدان خرد گرد» آمده بود. مسکویه در این باره می‌نویسد که در روزگار جوانی نام آن را در کتابی از جاحظ (۱۵۰ تا ۲۵۵ق) دیده تا سرانجام آن را در فارس نزد موبدان موبد یافته است [تفضلی، ۱۳۷۶: صص ۱۸۲، ۲۰۲،

۲۰۶ و ۲۰۷]. فضائلی در ترجمه‌ی خود، عهد و پیمان مسکویه را به نقل از یاقوت ذکر کرده است: «این پیمانی است که احمد بن محمد بر آن استوار است. وی در این هنگام از هر جهت در امان است... هیچ‌گونه فشار و ناگزیری بر جان و تن، او را به بستن این پیمان وادار نکرده... او با خداوند خویش پیمان می‌بندد که با نفس خویش به پیکار برخیزد... و عفت و شجاعت و حکمت پیشه کند» (ص سیزدهم).

مورخان اسلامی همگی به تاریخ از آن‌رو نگریسته‌اند که تاریخ درس و اندرز است، اما «تنها کسی که در این باب استدلال حکیمانه و فلسفی کرده و دید اخلاقی و پراگماتیک داشته و... به موارد تجربه و فواید عملی اشاره کرده، مسکویه است» [زرزیاب خوبی، بی‌تا: ۱۸۱]. مسکویه به پیروی از ارسطو، خیر را چیزی می‌داند که همه چیز به سوی آن حرکت می‌کند. می‌نویسد، هیچ سعادت حاصل نمی‌گردد، مگر این‌که در صدد کسب سعادت در این دنیا و دنیای دیگر برآیم. مسکویه در اصل یک مورخ و فیلسوف اخلاقی است [بدوی، ۱۳۶۲: ۶۷۶-۶۷۵]. زرین کوب می‌نویسد: «وی که در فلسفه به عنوان حکیم اخلاقی مشهور است، در تاریخ، مؤلف کتاب حکیمانه‌ای است به نام تجارب‌الامم. مسکویه به عنوان پیشرو تدوین علمی تاریخ، مقدم این خلدون است» [زرین کوب، ۱۳۷۷: ۷۱ و ۷۳].

مسکویه در اصل یک مورخ و فیلسوف اخلاقی است و اخلاق او جنبه‌ی تکوینی (مبتنی بر محل و مقام انسان در تکامل جهان) دارد. تاریخ موردنظر او دارای وجهه‌ی فلسفی، علمی و انتقادی است. برای تاریخ و مورخ وظایفی را معین می‌کند که فراتر از وقایع‌نگاری ساده یا روایت صحنه‌هاست. تاریخ داستانی سرگرم‌کننده درباره‌ی سلاطین و سرداران نیست، بلکه در اصل آینه‌ای است از ریشه‌ی سیاسی-اقتصادی منعکس‌کننده‌ی اجتماع در زمانی معین [بدوی، ۱۳۶۲: ۶۸۰].

به گفته‌ی لئون کایتانی، تجارب‌الامم، متعلق به مؤلفی است از ریشه و بنیاد ایرانی. اثر وی از نگاه روش شناختی با اصولی که نزد مورخین مغرب‌زمین پذیرفته شده است، خویشاوندی دارد. مسکویه برخلاف طبری که هدف عمده‌اش گردآوری حوادث و اراسته‌ی شایسته و سامانمند بود، تاریخ را دارای ساختاری اندام‌وار می‌داند که مورخ آن را یافته است و با اندیشه‌ی شخصی‌اش می‌نگارد. کایتانی نتیجه‌گیری می‌کند که: «تجارب‌الامم کاری است برآمده از ذهنی استدلالی که در پرتو برداشتی والا از هدف و وظیفه‌ی مورخ عمل می‌کند... وی بر این باور است که رویدادهای گذشته با شبکه‌ای از

شئون و مصالح بشری به هم پیوند داشته است» [کایتانی، ۱۳۶۳: ۳۴۴؛ مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۳].

مسکویه از بیان معجزات و افسانه پردازی‌ها و... خودداری می‌کند و آن‌ها را «الاسمار و الخرافات» می‌نامد. افسانه و خرافه را تنها مایه‌ی تفریح و سرگرمی می‌داند، حتی از زندگی روحانی پیامبران می‌گذرد و معجزات انبیای سلف را به عنوان راهنما، غیرقابل توجیه می‌داند و تنها امور واقع تاریخ را واجد ارزش برای تعلیم و تهذیب دانش‌پژوه قبول دارد. در تاریخ عربستان پیش از پیامبر اکرم (ص)، فقط رویدادهایی را ذکر می‌کند که در ارتباط با تاریخ ایران هم‌زمان قرار گیرد [کایتانی، ۱۳۶۳: ۳۴۴؛ مسکویه، ۱۳۷۴، مقدمه: ۲۱].

از نظر مسکویه، حرکت تاریخ حرکتی کور و بی‌اراده نیست. قوانین حاکم بر تاریخ از همانندی و تکرار حوادث برمی‌آیند. او حرکت را مبنای احتجاج خود قرار داده است و چنین می‌گوید: «حرکت شامل هرگونه تغییر است؛ خاصیت لاینفک همه‌ی اجسام است. ولی حرکت از ذات اجسام بر نمی‌خیزد و نیازمند یک محرک اولی است. در حرکت تاریخ در راستای اعتلای انسان، نه بخت و اتفاق، نه عوامل خرق عادت و خارج از اراده‌ی انسان خردمند، و نه سرنوشت و کفر، نقش نهایی دارند. تاریخ نه تنها گذشته را به صورت یک کل، برای آیندگان می‌نگارد، بلکه شکل وقایع آینده را معین می‌کند». مسکویه طرز فکر و نوع عمل افراد و از جمله بدکرداری شاهان را علت بیچارگی مردمان و سلاطین آن‌ها می‌داند [مسکویه، ج ۶: ۳۶۴ و جلد ۵: ۶۵].

مسکویه استدلال می‌کند، زمانی که تاریخ را نخوانیم و علت «دخول رخنه‌ها» و «اهمال آنان که از آن غفلت می‌کنند» را ندانیم، جامعه را به «سوی فروپاشی و زوال» سوق می‌دهیم. تجارب‌الامم به صراحت به تقدم و تأخر تاریخی جوامع اشاره می‌کند و چگونگی آن را، به انجام سنت‌های یگانه و سیاست وزیران و سپه‌داران کشور متصل می‌نماید. مسکویه در دیباچه‌ی تجارب‌الامم می‌نویسد: «کتاب را از آن جهت آزمون ملت‌ها» نامیدم که بیشترین مردم از آن سود جویند... [حتی] کم‌بهره‌گیرترین مردم، آن را خالی از فایده در تدبیر منزل، آمیزش با دوست و درآمیزی با بیگانه نیابد» [اذکایی، ۱۳۶۳، دیباچه‌ی ابن مسکویه: ۳۴۶].

مسکویه در نقل تاریخ به اسناد و مدارک مطمئن نظر دارد و اظهار می‌دارد: اگر از اخبار پس از طوفان و نیز ذکر معجزات پیامبران (ص) و آن سیاست‌هایی که اعمال کردند، یاد نمی‌کنیم، به سه علت است: یکی «قلت معتمد»، دوم «مردم روزگار ما هیچ آزمونی از آن‌ها حاصل

نمی‌کنند»، سوم معطوف به اراده‌ی انسان و «تدبیر انسانی» نبوده‌اند [همان، ص ۲۴۷]. با وجود این، مسکویه به سلیقه و تفنن طلبی توده‌ی مردم توجه می‌کند و می‌نویسد: «با این همه، این کتاب از دل نشینی افسانه‌ها که در آن گونه‌ای از ارزش‌هاست و ما آن را رها کرده‌ایم، تهی نباشد» [مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱، سرآغاز: ۵۳]. در خاتمه‌ی سرآغاز، مسکویه یادآور می‌شود که با تمامی این اوصاف، همه‌ی پیشامدها به امر خداست و از یاد حوادث، «جز به یاری خدا بر کنار نتوان بود و به پیشامد نیک، جز به کارسازی او امید نتوان داشت. چه او که نامش گرامی است، بهترین کار ساز و یاور است» [پیشین]. هنر دیگر مسکویه، بی‌طرفی و انصاف اوست در نقل تاریخ.

مسکویه نیز چون ابوالفضل بیهقی، در دربار و درگاه شاهان می‌زیسته، اما هرگز تملق حاکمان را نگفته و خوب و بد آنان را بدون تعصب بیان کرده است. مسکویه تاریخ ایران باستان را خواننده بود و به ارزش‌های بومی ایران زمین پای بند بود. از طرف دیگر، رفتار زشت و پرتفنن خلفای عباسی و احساسات خودپسندانه و عجم‌ستیزی آن‌ها را، هم‌راه با التجای آنان به عمل سرهنگان ترک‌خشن اختیاردار کارهای نظامی و امنیتی می‌دید و به یاد حکمت خسروانی و «خرد جاویدان»، در کسوت یک مورخ شیعی و متمایل به تفاخر شعوبی مذهب‌ان، برای رهایی این سرزمین از نوع عباسیان و اعراب، تجارب‌الامم را نوشت. اگر مسکویه به دربار معزالدوله‌ی دیلمی رفت، به این دلیل بود که معزالدوله در نظر داشت، خلافت را از عباسیان به یکی از فرزندان امام علی (ع) منتقل کند. از این گذشته، ری یکی از پایتخت‌های فرهنگی جهان آن زمان بود و آل بویه به ذخایر ذکری و معنوی ایرانیان ارج بسیار می‌گذاشتند [اذکایی، ۱۳۶۳: ۳۴۱-۳۳۹؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶: ۳۴۱]. مسکویه، جشن سده‌ای را که توسط مردآویج زیاری در اصفهان برگزار شد، با حاشیه‌ی فراوان تصویر می‌کند [مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۳۶، ۴۲۱ و ۴۱۱؛ فقیهی، ۱۳۵۷: ۷۹].

ستایش و سرزنش مسکویه خردمندان و شجاعانه است. او درباره‌ی کثرت مال پادشاهان و مدیران مملکت هشدار می‌دهد و می‌گوید: «من در این باره به یکی از اداره‌کنندگان مملکت نصیحت گفتم و بسیار گفتم. لبخندی زد؛ لبخند کسی که از انبوهی خزانه‌ی مال و منال در رفاه است. دو سالی بر آن نگذشت که او را در موضعی دیدم که باید بر او ترحم آورد... هنگامی که به سرگذشت او برسیم، به خواست خداوند [خواهم گفت]» [مسکویه، ۱۳۶۶: ۲۷۷]. درباره‌ی عضدالدوله می‌نویسد: این‌ها که شرح دادیم، برای این

است... که پادشاهان بخوانند تا مانند آن‌ها عمل کنند. اگر پاره‌ای از صفات که من دوست ندارم آن‌ها را بیان کنم، در عضدالدوله نبود،... خداوند پادشاه اعمال نیک او را بدهد و از اعمال دیگر او درگذرد» [فقیهی، ۱۳۷۵: ۲۴۹].

شجاعت و ریزی‌بینی مسکویه در انتقاد تحسین برانگیز است: «معزالدوله اداره‌ی هر بخش را به یکی از ویژگی‌ها دینمی خود واگذار کرد... گرد او را مشت‌کارمندان دغل فرا گرفته که هدف هر یک از ایشان، نوید دادن و امروز و فردا کردن بود تا بدهی‌ها را سال به سال به عقب بیندازند» [مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶: ۱۳۳]. هرگاه کشورداری به شیوه‌ی نادرست پایه‌گذاری شود، گرچه در آغاز کار پنهان بماند، با گذشت زمان آشکار خواهد شد [همان، صص ۱۳۲-۱۳۱]. کلام مسکویه در باره‌ی تأمین هزینه در نظام‌های سیاسی خودکامه، بیانی است همیشگی: «مهم‌ترین کار یک وزیر آن بود که هزینه‌های روزانه‌ی امیر را از راه مصادره‌ی دارایی مردم، یا راهی دیگر آماده سازد؛ از گرفتن وام از دوستان، تا دوختن پاپوش برای هر کس که متهم به داشتن ثروت باشد» [همان، صص ۳۳۹]. مسکویه با همه‌ی آزادی که به ابوالفتح ابن عمید دارد، به وقت ضرورت انتقاد سازنده‌ی خود را از او این گونه بیان می‌کند: در کنار برتری علمی «سبکی بچگانه و مستی جوانانه و بی‌باکی نیرومندان نیز در او بود» [همان، صص ۳۶۳]. هنر تاریخ‌نگاری در عصر آل بویه به بالاترین سطح خود رسید. مسکویه، مأخذ است و همراه با محسن تنوخی، ما را از دیگران بی‌نیاز می‌کند [تنوخی، ۱۳۵۵؛ مسکویه، ۱۳۶۶، مقدمه‌ی مترجم: اول].

منابع

۱. ابوعلی مسکویه رازی، ابوعلی. تجارب‌الامم. ترجمه‌ی ابوالقاسم امامی. تهران. ۱۳۶۹.
۲. تجارب‌الامم. ترجمه‌ی محمد فضائلی. تهران. ۱۳۶۶.
۳. تجارب‌الامم. ترجمه‌ی علی نقی منزوی (ج ۵ و ۶). تهران. ۱۳۷۶.
۴. جاویدان خرد. ترجمه‌ی تقی‌الدین محمد شوشتری. مقدمه‌ی محمد ارکون. به کوشش بهروز ثروتیانی. تهران. ۱۳۷۴.
۵. اذکایی، پرویز. نگرشی اجمالی در باب ابن مسکویه رازی، مندرج در: یادنامه‌ی فخرایی، به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، تهران، ۱۳۶۳.
۶. اقبال، محمد. سیر فلسفه در ایران. تهران. ۱۳۴۷.
۷. بدوی، عبدالرحمن. ابن مسکویه. ترجمه‌ی علی شریعتمداری. مندرج در: تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۱، به کوشش م. شریف، تهران، ۱۳۶۲.
۸. بهمنیار، احمد. صاحب‌بن عبّاد. به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی.

تهران. ۱۳۴۴ ش.

۹. بیهقی، ابوالفضل. تاریخ بیهقی. به کوشش غنی و فیاض. تهران. ۱۳۲۴.
۱۰. تفضلی، احمد. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران. ۱۳۷۶.
۱۱. تنوخی، محسن. فرج بعد از شدت. ترجمه‌ی حسین بن احمد دهستانی. به کوشش اسماعیل حاکمی. تهران. ۱۳۵۵.
۱۲. خوانساری اصفهانی، محمدباقر. روضات الجنات. بی‌جا. ۱۳۹۰ ق.
۱۳. دانشنامه ایران و اسلام. ابن مسکویه. بوسورت. ج ۶. صص ۸۵۲-۸۵۴.
۱۴. دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی. ابوعلی مسکویه. ج ۶. صص ۵۶-۶۲.
۱۵. زریاب خوبی، عباس. مورخان ایران در دوره‌ی اسلام، در مجموعه مقالات گوشه‌ای از سیمای تاریخ تحول علوم در ایران. انتشارات وزارت علوم. تهران. بی‌تا.
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ در ترازو. تهران. ۱۳۷۷.
۱۷. سوازه، ژان. مدخل تاریخ شرق اسلامی، تحلیل کتاب‌شناختی. ترجمه‌ی نوش آفرین محقق. تهران. ۱۳۶۶.
۱۸. صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات، از آغاز عهد اسلامی تا دوره‌ی سلجوقی. تهران. ۱۳۳۳.
۱۹. ———. تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (ج ۱۰). تهران. ۱۳۴۶.
۲۰. عباس، احسان. عهد اردشیر. ترجمه‌ی محمدعلی امام شوشتری. تهران. ۱۳۴۷.
۲۱. فقیهی، علی اصغر. آل بویه و اوضاع زمان ایشان. تهران. ۱۳۵۷.
۲۲. کاپتانی، لئون. مقدمه بر کتاب تجارب‌الامم. ترجمه‌ی پرویز اذکایی، مندرج در: یادنامه‌ی فخرایی، به کوشش رضا رضازاده لنگرودی. تهران. ۱۳۶۳.
۲۳. متر، آدام. تمدن اسلامی در قرن چهارم. ترجمه‌ی علی رضا ذکاوتی قراقرلو. تهران. ۱۳۶۲.
۲۴. مرادیان، خدامراد. بررسی در احوال و آثار ابوحنیفان توحیدی شیرازی. تهران. ۱۳۵۲.
۲۵. محمدی ملایری، محمد. تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. تهران. ۱۳۷۲.
۲۶. مسعودی. التنبیه و الاشراف. ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده. تهران. ۱۳۶۵.
۲۷. مقدسی، عبدالله. احسن‌التعالیم. ترجمه‌ی علی نقی منزوی. تهران. ۱۳۶۱.
۲۸. مهاجرنیا، محسن. اندیشه‌ی سیاسی مسکویه به مناسبت هزارمین سال وفات ابوعلی مسکویه در ایران (ایترننت).
۲۹. ———. «اندیشه‌ی سیاسی مسکویه». فصل‌نامه‌ی علوم سیاسی. شماره‌ی ۱۲.
۳۰. مینوی، مجتبی. نامه‌ی تنسر. انتشارات خوارزمی. تهران. ۱۳۵۲.
۳۱. یاقوت، حموی. معجم‌الادبا. چاپ مصر (ج ۲) به همت، مرکلیوث. بی‌تا.